

Copyright
انتشار رسمی یا خرید کپی رایت

جلد دوم

امیررضا لطفی پناه

مارک لارنس

جنت ملک سین

کلید لوکی



پیش در آمد

دو مرد در اتاقی با درهای بسیار. یکی ردایی بلند به تن دارد، عبوس است و خشونت و خرد از چهره اش می بارد؛ دیگری قد کوتاه تری دارد، بسیار نحیف است، موهایش تعجب برانگیز است و لباسی چهل تکه پوشیده است که مدام تغییر رنگ می دهد و چشم را فریب می دهد.

مرد کوتاه قد می خندد، با صدایی که چند آهنگ متفاوت دارد و به احتمال زیاد همان طور که پرندگان در حال پرواز را می کشد، باعث می شود تر که ها شکوفه بزنند.

مرد بلند قد می گوید: «من تو رو احضار کردم!» دندان هایش طوری روی هم چفت شده اند که گویی همچنان در تلاش است مرد دیگر را سر جایش نگه دارد، هر چند دستانش در کنار پاهایش قرار دارد.

- حقه ی خوبی بود کلم^۱.

- تو من رو می شناسی؟

«من همه رو می شناسم.» پوزخند سریعی می زند. «تو در ساحری^۲»

- تو چی؟

1. Kelem

2. Door-Mage